تصحیح یک اشتباه تاریخی

وطن پرست، اسماعیل

مرحوم سرهنگ عماد ممتاز در دفترچه خاطراتی که از دوران سلطنت اعلیحضرت فقید تنظیم کرده است درخصوص اشتباهی که در تاریخ منشاء کودتا روی داده چنین می‏نگارد:

«یکی از خاطرات مهم که در مورد اولین کارهای اصلاحی کشور باقی مانده موضوع‏ تنظیم ورقه ایست که هنگام پی‏ریزی ساختمان دستگاه بی‏سیم قصر در دو فشنگ توپ در پایه بتونی با دفن شده است این ورقه که روی کاغذ ترمه قدیمی بخط این‏جانب نگاشته شده‏ و اولین امضاء(رضا پهلوی)را دارد بخوبی حکایت میکند که برخلاف گفته بعضی اشخاص‏ اعلیحضرت فقید از بدو زمامداری نقشه وسیعی برای اصلاحات کشور داشته‏اند که در آن‏ ورقه به اختصار اشاره شده و اظهار امیدواری فرموده‏اند که تحت توجهات خداوند متعال‏ نقشه‏های اصلاحی را تدریجا بموقع عمل گذارند و چون این ورقه بطور محرمانه تنظیم‏ گردیده ذکر جزئیات آنرا مناسب نمیدانم در این ورقه اشتباهی رخ داده است که برای‏ جلوگیری از یک اشتباه ذکر آنرا بیمورد نمیدانم.در اینموقع تازه بفکر تغییر اسامی ماههای‏ شمسی عربی به اسامی جلالی افتاده بودند و چون هنوز قانون آن به تصویب نرسیده بود و هنوز معلوم نبود به چه صورت درآید و تنظیم لایحه مزبور در این فاصله بوسیله آقای‏ استاد اقبال آشتیانی تهیه میشد تاریخ کودتا را که سوم حوت بوده برعایت بافقهای جلالی‏ و کبیسه(هفتم اسفند نوشته‏اند)و ذکر این نکته را از این جهت لزوم دانستم که اگر روزی‏ ورقه مزبور بدست آید چون به امضای شخص اعلیحضرت فقید می‏باشد و سندیت دارد موجب‏ تردید در تاریخ وقوع کودتا نشود.»

متهم علاوه بر خیانت و دزدی از مال دولت مرتکب دزدی در زمینه نام نیک و شهرت هم‏ شده است و نیکوکاریهای او نوعی تجاوز و دزدی و خیانت باعمال حسنه و نیک هم هست یعنی‏ این شخص قانع به مال دنیا که دزدیده نبوده نام نیک هم دلش میخواسته که جزء اخیار و ابرار قلمداد شود و بدین ترتیب هم معنا و هم مادا مرتکب خیانت شده لذا باتفاق آراء او را بدو سال حبس با اعمال شاقه و استرداد وجه و انفصال ابداز خدمات دولتی محکوم ساختند و دیوان کشور هم ابرام کرد و حکم اجراء گردید و می‏توان گفت آن نوع تعقیب سریع و آن نوع‏ قضاوت درست بود که واقعا و بتصدیق دوست و دشمن در دوره بیست ساله قبل از شهریور 1320 فساد از نوع اختلاس و ارتشاء بسیار کم و محدود بود و مسلما بدون تعقیب نمی‏ماند حتی در موردیکه متخلف مدرسه هم ساخته و دار الایتام دایر کرده بود ولی حالا چه عرض‏ کنم؟

تهران خرداد 2537 حسن صهبا یغمائی

داشته باشد و یکباره به سبب نام حمالباشی از پرگار در نرود و ماءموریت را بپذیرد و این‏ کار را بسبب نام دون شاءن کارمندی بحساب نیاورد معرفی کند و رئیس پرسنل بعد از 24 ساعت کارمند مناسب و صمیمی شناخت و بمدیر کل گمرک معرفی کرد.بالنتیجه ما حالا برای‏ کارمند کار تهیه میکنیم و پرسنل برای کار هر نوع کار و حساب دوری و نزدیکی محل کار از خانه کارمند و رضایت باطنی کارمند،کار تهیه میکرد-حاصل آنکه در تمام ایران اداره‏ کل گمرک دارای دویست و بیست عضو بود-همان اداره گمرک در مرز بین ترکمانهای ساکن‏ ایران و خاک ترکمنستان را که به هیچ عنوان ژاندارم و نظامی از دولت در آنجا ماءمور نبود و شهرت داشت که ترکمانها مردم بیگانه‏ای که به محل آنها وارد شود-اسیر کرده‏ و به کارهای سخت و امیدارند(بخصوص که سنی نبوده باشد)و بالمآل محل ناامن و خطرناکی‏ است.با دو سوار مسلح(البته با توافق خان محلی)از ورود قاچاق جدا جلوگیری میکرد و حق گمرکی دولت ار وصول مینمود(اسناد گمرک مشهد گواه مطلب است که درآمد شایسته‏ هم داشت).

بقیه از صفحه 58

در صفحه 51 جزو مثالهائی که داده‏اند اینست:"خوشوقت‏ترین روز سال ایرانی عید نوروز است‏".البته در صفحه 52 معادل انگلیسی کلمه خوشوقتم در معرفی را happy نوشته‏اند ولی در جمله فوق که خواسته‏اند کلمه خوشوقت را بهمان مفهوم بکار ببرند جمله‏ای ساخته شده که با سیاق بافت زبان فارسی مطابقت ندارد.در صفحه 77 کلمه تلفونا (تلفن باضافه تنوین)بکار برده‏اند که چون کتاب درستور زبان است حق بود"بوسیله‏ تلفن‏"می‏نوشتند نه تلفونا.در صفحه 143 تلفظ منطقه Tranaoxania را ماورای النهر نوشته‏اند که تلفظ آن ماوراء النهر است.گذشته از موارد دستوری در محتوای کتابهای‏ مذکور(مانند بسیاری از کتابهای خاورشناسان)مطالبی هست که قابل تعمق است و در خاتمه بحث فقط بذکر دو نمونه کوتاه اکتفا میکنم.

در صفحه 107 نوشته‏اند-"...چند سال است که هنرستان عالی موسیقی تأسیس‏ شده..."چون کتاب چاپ 1977 است لازم بتذکر است که هنرستان عالی موسیقی در سال 1303 یعنی درست 53 سال(نیم قرن)قبل از چاپ آخر این کتاب تأسیس یافته‏ که در متن کتاب بعبارت چند سال آمده است.در صفحه 235 نوشته شده‏"در این مدت‏ اسلام با عقاید ساده و عوام پسند خود نزدیک شد دین قدیم زردشتی را محو کند". بدون مجال بحث مفصل باید ذکر کنم که تعالیم عالی اسلام ضمن آنکه مورد قبول عامه‏ مسلمانان هست باعث بوجود آمدن تمدن درخشان اسلامی گردید.همچنین عقاید اسلام‏ و تعالیم آن زیر بنای فکری متفکران بزرگی چون مولوی و حافظ را تشکیل میدهد و از طرفی‏ تجلیات آنرا در آثار فلاسفه‏ای چون ملا صدرا می‏یابیم و اگر آن تعلیمات‏"ساده و عوام- بسند"نامیده شود سخنی بس بناحق گفته شده است.